



## قوانين کن عمر مسلم



حجۃ الاسلام والمسلمین  
موسیٰ تبریزی  
دادستان کل انقلاب اسلامی

## محارب

### هشتم: کیفیت کیفر اهل کتاب و اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی:

مشکلی که در شرائط ذمہ کشیده شد هاست - کفار جو می "محسوب شده و آن احترام و امنیت و برخورداری از منافع اجتماعی را نمی توانند داشته باشند .

قانون اساسی در اصل سیزدهم میگوید : " ایرانیان زرتشتی ، کلیمی و سحسی تنها اقلیتهای دینی شناخته میشوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بروطبق آئین خود عمل میکنند ".

برای روش شدن اذهان ، شرائط ذمہ را با اختصار توضیح می دهیم :

اگر افراد اهل کتاب زرتشتیها و مسحیهای و پیهودیهایا در جامعه اسلامی و زیر لسوای حکومت اسلامی بخواهند زندگی کنند و

و جان و مال و عرض و حقوق انسانی آنان در بناء اسلام و قوانین اجتماعی آن محفوظ و محترم است و مجریان احکام و قوانین اسلام و دولت و مامورین انتظامی و مسئولین قضائی موقوفند که از حقوق و منافع بحق آنان دفاع نمایند و جلوی متاجوزیین به حقوق آنانرا بکیرند و از تمام مراقبای مملکتی و منابع طبیعی مانند مسلمین ، آنها را برخوردار نمایند البتہ تراصی هست که به شرائط ذمہ معروف است و اهل کتاب با تعیین دولت اسلامی باید شرائط و مقررات حکومتی و اسلامی را عمل نمایند و اگر تحت مقررات و شرائط حکومت اسلامی در نمایند

قبل لازم است بدانیم که تحت لوای حکومت اسلامی ، اقلیتهای مذهبی برسمیت شناخته شده از طرف اسلام مانند بپرورد و نصاری و مجوس (زرد شتبه) که با هل کتاب معروفند با تراصی می توانند در کمال راحتی و آسایش زندگی کنند و اجتماعات مذهبی خود را تشکیل بدهند و مسجد و کتبیه و کلیسای خود را در کشور اسلامی حفظ کنند و در میان خودشان و برای فرزندان خودشان به تعلیم و تربیت و آموزش مذهبیان بپردازند و از کلیه مزایا و حقوقی که یک مسلمان در اجتماع برخوردار است آنها نیز برخوردار باشند - بجز

الصلمین ، و ضرب فیه اظهار منکر فی دار  
الاسلام و ذکر هذه الاشیاء کلها تأکید و لیس  
بشرط فی صحة العقد . . . ”

— آنچه در قرارداد با اهل ذملازم است  
شرط بشود دو قسم است: ۱- چیزهای که  
فعل آنها برآنان واجب است ۲- اعمالی که  
ترک آنها واجتناب از آنها بر اهل ذمہ  
لازم است.

اما قسم اول دو چیز است: اول پرداختن  
جزیه (مالیات) به دولت اسلامی . دوم -  
بعده کرفتن عمل به احکام اجتماعی  
سلمین اعم از قوانین ساسی و اقتصادی و  
نظمی و انتظامی که جنبه عمومیت و اجتماعی  
بودن دارند . (۱) و این دو شرط را باید در  
ضمن قرارداد، کتب و متنها ذکر کرد و اگر  
در قرارداد فراموش بشوند باطل است و

اختلاف است و بیشتر فقهاء متفقند خود محقق  
و دیگران فرموده اند که دو شرط اولی را اگر  
عمل نکنند از ذمه اسلام خارج می شوند ولی  
در رابطه با چهار شرط آخر، ولی سلمین  
و دولت اسلامی می توانند از ابتداء در ضمن  
قرارداد ذکر کند و از شروط ذمه بشارد که  
در اینصورت اگر عمل نکنند از ذمه خارج  
می شوند. ولی توانند که ضمن شروط بحساب  
نیاوردن و در اینصورت اگر متکب خلافهای  
مذکور در چهار شرط شدند مانند همچو  
سلمین، مجازات می شوند و احکام جزایی  
اسلام در باره آنان اجرا می کردد لکن از  
ذمه اسلام خارج نمی شوند و همچنان، جان  
و مال و عرض آنان محترم و در بناء دولت  
اسلامی محفوظ است و مت加وزین بحقوق  
شان مجازات می شوند.

شراحتی را بپذیرند اهل ذمہ نامیده می شوند  
شراحت دمه بطوریکه محقق در کتاب شرائع  
فرموده است شش چیز است:

۱- قبول جزیه: یعنی مقدار مالیاتیکه  
ولی و حاکم سلمین و با دولت اسلامی  
بر عهده آنها قرار می دهد که سالیانه باید  
بهر دارند البته تعیین مقدار مالیات و اینکه  
بتعداد نفوی مالیات بپردازند و با حساب  
زمینهای که دارند، بعهده امام و حاکم  
سلمین است که طبق معالج جامعه اسلامی  
منخص نماید.

۲- اینکه هر کز آنچه را منافات با امام  
از طرف ولی سلمین دارد انجام ندهند  
مانند مبارزه با حکومت اسلامی، ایجاد در  
گیری و آشوب در جامعه، کمک وسانسی به  
مشرکین و دشمنان حکومت اسلامی، جاسوسی  
بنفع اجانب و هرگونه توطئه علیه دولت  
و رژیم اسلامی که اگر بر خلاف این دو شرط  
رفتار نمایند یعنی جزیه و مالیات ندهند و  
با در توطئه های کوناکون - بهر نحوی -  
شرکت نمایند محارب محسوب شده و از ذمه  
و امام اسلام خارج می شوند.

۳- مسلمانان را بهمیج وجه مورد آزار و  
اذیت خود قرار ندهند و بر خلاف احکام  
اسلام با آنها رفتار ننمایند. مانند از کتاب  
عمل زنا و لواط و سرق و بناهه دادن اجانب  
و امثال آنها .

۴- اینکه به انجام کناهان، تظاهر  
نکنند. مانند مشروب خواری علنى، خوردن  
کوشت خوک در ملاع، اعام و ازدواج با محرومها  
که اگر به یکی از کناهان مذکور تظاهر کنند  
از ذمه خارج شده و احکام اهل ذمہ در باره  
آنان جاری نیست.

۵- معبد و کنیسه و کلیسا و نازهای غیر از  
آنچه دارند درست نکنند ولی در همان -  
هائیکه دارند می توانند عبادت و هدیگر  
را ارشاد کنند.

۶- بپذیرند که احکام اجتماعی و حقوقی  
و جزایی و اقتصادی اسلام در باره آنان  
اجرا شود البته در رابطه با شرائط سوم نا  
شم (چهار شرط آخر) میان فقهای اسلام .

### اصل ۱۳ قانون اساسی:

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتی‌های دینی شناخته  
می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در  
احوال شخصی و تعليمات دینی بطبق آئین خود عمل می‌کنند.

قرارداد منعقد نمی شود برای اینکه بروز دکار  
متعال می فرماید: " حتی يُعطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ  
يَدِ وَهُمْ صَاغِرُونَ " (۲)  
مراد از " صغار " گردن نهادن به احکام  
مسلمین و اجرای آن است. و اما قسم دوم نیز  
خود سه قسم دارد اول - اعمالیکه انجام  
آنها منافات با امام نامه دارد و با ارتکاب  
آنها از امام اسلام خارج می شود . دوم -  
اعمالیکه به سلمین ضرر می ساند . سوم -  
منظاهر بودن با اعمالیکه در اسلام از منکرات  
محسوب می شود و اگر این سه چیز را در قرارداد  
ذکر کرند بهتر است ولی اگر ذکر نکرند  
قرارداد، باطل نمی شود . سیم می فرماید: اما  
قسم اول که منافات با امام دارد، مانند  
اینکه اجتماع کنند و تشکیلات منسجم و

مرحوم شیخ بزرگوار، طوسی (ره) در  
کتاب مبسوط، جلد ۲، صفحه ۴۳ می فرماید:  
" نصلٰ فِيهَا يَشْرُطُ عَلَى أَهْلِ الْذَمَّةِ :  
الْمُشْرُطُ فِي عَقْدِ الْذَمَّةِ قَرْبَانٌ : أَحَدُهُمَا  
يَجْبُ عَلَيْهِمْ فَعْلَهُ وَالْآخَرُ يَجْبُ عَلَيْهِمْ  
الْكُفُّ عَنْهُ ، فَمَا يَجْبُ عَلَيْهِمْ فَعْلَهُ عَلَى  
خَرَبِينٍ : أَحَدُهُمَا بَذَلَ الْجِزْيَةَ وَالْآخَرُ التَّزَامُ  
الْحَلَامِ الْمُسْلِمِينَ وَلَا يَبْدِي مِنْ ذِكْرِ هَذِهِينَ  
الشَّرْطَيْنِ فِي عَقْدِ الْجِزْيَةِ لِفَظًا وَنُطْفَةً ، فَإِنْ  
أَغْلَلَ ذَكْرَهُمَا أَوْ ذَكْرَ أَحَدِهِمَا لِمَ يَنْعَقِدُ ،  
لِقولَتَهُمَا : " حَتَّى يُنْظَوُ الْجِزْيَةَ عَنْ يَدِهِمْ  
هُمْ صَاغِرُونَ " (التوبه ۲۹) وَ الصَّفَارُ التَّزَامُ  
الْحَلَامِ الْمُسْلِمِينَ وَالْأَجْرَاؤُهَا عَلَيْهِمْ . وَأَمَّا  
مَا يَجْبُ الْكُفُّ عَنْهُ فَعَلَى ثَلَاثَةِ أَصْرَبٍ : ضَرْبٌ  
فِيَهُ مَنَافَةُ الْأَمَانِ ، وَ ضَرْبٌ فِيَهُ ضَرْبٌ عَلَى -

هستند و با مجوس (زرتشتبها) نیز باید معامله اهل کتاب کرد و همانند آنها با آنان رفتار نموده و بعضی از روایات دلالت دارند که آنها نیز اهل کتابند.

مرحوم صاحب جواهر در کتاب جواهر سیفر ماید: "وَكُذا مِنْ لِهِ شَبَابَةُ كِتَابٍ وَهُمْ الْمُجْوَسُ بِالْخَلْفِ أَجْدَهُ فِيهِ إِلَّا مِنْ ظَاهِرِ الْمُحْكَمِ عَنِ الْعَمَانِيِّ فَالْحَقِيقَمْ بِعَبَادِ الْأَوَّلَيْنَ وَغَيْرَهُمْ مِنْ لَا يَقْبِلُ مِنْهُمْ إِلَّا إِلَامٌ وَلَكِنْ قَدْ سَقَهُ الْأَجْمَاعُ بِقُمَيْهِ وَلِحَقِيْهِ وَتَظَافِرِ التَّصْوِيْنِ بِخَلْفِهِ".

از کسانی که اهل ذمہ دارند و از آنها جزیه و مالیات باید گرفت بهود و نصاری و کسانی که شبهه کتاب در آنها است که مجوس هستند (۲) در این زمینه روایات زیادی وارد شده است. ما به چند نمونه کفايت میکنیم:

إِعْمَالٌ مُبِينٌ، وَإِكْرَارٌ مُبَيِّنٌ حَكْمٌ نَطَرٌ وَتَشْخِيصٌ وَصَلَاحِدِيدٌ خَوْدٌ، حَكْمٌ تَعْزِيزٌ مُبِيدٌ، وَإِكْرَارٌ مُبَيِّنٌ، خَدَاوَنَدٌ مُنْتَعَلٌ وَبَأْرَى رَسُولُ اللَّهِ ((ص)) رَأَى بَشَّارَ وَفَحَاشَيَ كَتَنَدَ بَأْرَى مَانَنَدَ مُسْلِمِينَ، قَتْلَ آنَهَا وَاجِبٌ أَسْتَعْدَهُ وَبَيْمَانَ بَسْتَهَدَهُ شَكْتَهُ مُبِينُونَ، وَأَرَى امَانَ إِلَامٌ خَارِجٌ مُبِينُونَ.

وَأَمَا قَسْمُ سَوْمٍ – كَهْ تَظَاهِرُ بِهِ مُنْكَرٌ در دارال المسلمين باشد و ضروری بر مسلمین دادنَتَهُ باشَدَ مَانَنَدَ سَاخْتَنَ مَعْبُدٌ وَكَنْبَسٌ وَكَلِيَّاَيِّ بَيْشَرُ اَزْ مَقْدَارٌ مُوجَودٌ در زَمَانَ قَرَارَدَادٌ – بَدُونَ اِجَازَهِ حَكْمَتِ إِلَامِيٍّ – وَسَاخْتَنَ سَاخْتَمَانَهَايِّ بِسَيَارَ بَلَندَ كَهْ بَخَانَهِ مُرَدَمَ مُسلَمَانَ اِشْرَافٌ دادنَتَهُ باشَدَ وَبَلَندَتَهُ اَزْ سَاخْتَمَانَهَايِّ مُسْلِمِينَ باشَدَ وَنَاقْوَسَذَنَ وَخُوكَ وَارَدَ كَرَدنَ وَمُشَرُوبَ خَوارِيَ وَفَرُوشَ

سَنْظَمِيَ دَرَسْتَ كَنَنَدَ وَبَأْ يَهِ تَشْكِيلَاتَ دَشْمَنَ مُسْلِمِينَ بَيْبُونَدَنَدَ وَعَلَيْهِ إِلَامٌ وَمُسْلِمِينَ بَحْنَكَنَدَ وَإِكْرَارٌ بَيْنَجَنَنَدَ كَنَنَدَ عَهْدٌ وَبَيْمَانَ بَا حَكْمَتِ إِلَامِيَّ رَا شَكْسَتَهَانَدَ، خَوَاهَ در قَرَارَدَادٌ اَيْنَ مَطْلَبٌ يَادَأَ وَرَى بَتُوْدَيَاَهِ بَرَايِ اِينَكَشَرَاطَذَمَهِ بَجَهَتِ اِيْسَتَكَهِ اَهَلَ كَتَابٍ، در امَانَ مُسْلِمِينَ وَإِلَامٌ باشَنَدَ وَسَلَمَانَانَ نَيْزَ اَزْ خَيَاتَ وَظَلَمٌ وَتَجَاوِزَ آنَهَا در امَانَ باشَنَدَ .

وَأَمَا قَسْمُ دَوْمٍ – كَهْ اِنْجَامٌ آنَهَا مَوْجَبٌ مَتَخَرِّرٌ شَدَنَ مُسْلِمِينَ اَسْتَ – شَنْ جَمِيزٌ اَسْتَ: اَوْلَى وَدَوْمَ بَا زَنَهَايِّ مُسْلِمِينَ زَنَا وَبَا بَهْ اَعْتَقَادَ خَوَدَشَانَ اِزْدَوَاجَ كَرَدنَ، سَوْمَ – مُسْلِمَانَهَا رَا بَا حَيْلَهِ وَتَبْلِيغٍ وَتَوْطِئَهِ اَزْ اِلَامٌ مَنْرُوفَ كَرَدنَ، جَهَارَمَ – رَاهْزَنِيَّ در جَادَهَهَايِّ مُسْلِمِينَ وَبَسْتَنَ رَاهْهَما بَرَويِّ مُسْلِمِينَ، يَنْجَمَ – نَقَاطَ ضَعْفٍ وَعَيْبَهَايِّ مُسْلِمِينَ رَا در اِختِيَارِ اِجَانِبٍ وَكَفَارِ مُحَارِبٍ كَذاشَنَ، شَمَ – عَلَيْهِ مُسْلِمِينَ جَاسُوسِيَّ كَرَدنَ وَاطَّلاعَاتَ سَرِيَّ وَبَيْزَكَهَايِّ نَظَامِيَّ وَاِقْتَصَادِيَّ وَاخْلَاقِيَّ مُسْلِمِينَ وَدُولَتَ وَبَنَظَامِ اِلَامِيَّ رَا بُوسِلَهِ نَامَهَ بَا هَرَ وَسِلَهِ دِيْكَرَ (تَلْفَنَ، تَلْكَسَ، تَلْكَرَافَ، سَيْسِيمَ وَ... ) در اِختِيَارِ گَروَهَهَا وَاحْزَابَ وَدُولَتَهَايِّ مَحَالَفَ حَكْمَتِ اِلَامِيَّ وَمُحَارِبَ بَا آنَهَا كَذاشَنَ .

وَهَرَ كَدَامَ اَزْ اَيْنَ شَنْ قَسْمَتَ اَكْرَحِينَ قَرَارَ دَادَ ذَكَرَ شَدَهَ در صُورَتِيَّهِ اَهَلَ كَتَابٍ مَرْتَكَبَ شَوَنَدَ اَزْ اَمَانَ اِلَامٌ خَارِجٌ مُبِينُونَ بَرَايِ اِينَكَهَ نَقْضَ عَهْدٌ وَبَيْمَانَ خَوَدَشَانَ اَنْجَامَ دَادَهَانَدَ وَحَرِبَمَ قَرَارَدَادَوَامَانَ نَامَهَ رَا شَكْسَتَهَانَدَ وَحَاكِمَ وَولَى مُسْلِمِينَ وَدُولَتَ اِنْجَامَ دَادَهَانَدَ وَحَاكِمَ وَولَى مُسْلِمِينَ وَدُولَتَ مَشَكْسَتَهَانَدَ وَحَاكِمَ وَولَى مُسْلِمِينَ وَدُولَتَ اِنْجَامَ دَادَهَانَدَ وَحَاكِمَ وَولَى مُسْلِمِينَ وَدُولَتَ در صُورَتِ مقَاوِمَتَ، بَا آنَهَا مَانَنَدَكَلَارَ حَرِبَيِّ رَفَقَتَارَ نَعَيَدَوَحَكْمَ مُحَارِبَ در بَارَهِ آنَهَا اِجَراً كَنَدَ . وَإِكْرَارٌ در قَرَارَ دَادَ ذَكَرَ شَدَهَ باشَدَهَا اِرْتَكَابَ آنَ اَعْمَالَ، اَزْ اَمَانَ مُسْلِمِينَ وَاسْلامَ خَارِجَ نَعَيَدَنَدَلَكَنَ مَانَنَدَ مُسْلِمِينَ – اَكْرَايَتَكَونَهِ اَعْمَالَ رَا اِنْجَامَ دَهَنَدَ – مَجَازَاتَ مَيْتَوَنَدَ اَكْرَهَ حَدَ مَشَخَصَ در اِلَامَ در بَارَهِ جَرَائِمَ اِرْتَكَابِيَ باشَدَ هَمَانَ رَا در بَارَهِ مَرْتَكَبَيِّنَ

## اَكْرَاهُلَ ذَهَنَهِ تَشْكِيلَاتَ مَنْسَجَمَ وَمَنْظَمِيَ دَرَسْتَ كَنَنَدَ وَبَاهَهِ

تَشْكِيلَاتَ دَشَمَنَ مُسْلِمِينَ بَيْبُونَدَنَدَ وَعَلَيْهِ إِلَامٌ وَمُسْلِمِينَ

بَحْنَكَنَدَ، عَهْدٌ وَبَيْمَانَ رَا بَا حَكْمَتِ اِلَامِيَّ شَكْسَتَهَانَدَ، خَوَاهَ

در قَرَارَدَادَ، اَيْنَ مَطْلَبٌ يَادَأَ وَرَى سَدَهَ باشَدَ يَاهَهِ .

۱- مرحوم طوسی در کتاب مجالس، آن که در ملا، عام و در انتظار مردم مسلمان، حدیثی از امام رضا - علیه السلام - نقل میکنند که بوسیله پهلوی بزرگوار و اجداد طاهرين خود از امام سجاد، علی بن الحسن (ع) نقل میکنند که فرمود:

"ان رسول الله ((ص)) قال: سَنَوْ اَيْمَمْ سَنَهَهِنَلِكَنَابِ - يعني المحسوس - رسول الله ((ص)) فرمودند: رفتاران با محسوس مانند روش شما با اهل کتاب باشد.

۲- شیخ مفتی رضوان اللہ تعالیٰ علیہ در کتاب مقتده از امیر المؤمنین (ع) نقل میکنند که فرمودند:

"الْمُحْسُوسُ اَنَّمَا الْحَقْوَابَ لِلْيَهُودِ وَالنَّصَارَى فِي الْجَزِيَّةِ وَالْدِيَاتِ لَأَنَّهُ قَدْ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَفْسَى كِتَابٍ". بقیه در صفحه ۴۹

آن که در ملا، عام و در انتظار مردم مسلمان، انجام کرید واجب است که اهل کتاب او و همه آنها اجتناب کنند، خواه در امَان نایبِ مذکور بشود یاره و اکریبی از اتفاق نسیوق را مرتكب شدند از ذمہ و امان اسلام خارج نمیشوند لکن طبق حکم اسلام، حد و ما تعزیر در باره آنها اجرا میشود. تا اینجا تقریباً بیانات شیخ طوسی را بخاطر اهمیت مطلب نقل کردیم و در کتابهای فقیهی شیعه در رابطه با مسائل و تراطی اهل ذمہ بحث، زیاد شده است. ما برای آشنایی خوانندگان کرامی، فهرست وار به چند مثاله اشاره میکنیم:

۱- اهل کتاب از نظر فقهای اسلام و طبق روایات و اصله، فقط یهود و نصاری